

## بقیه از صفحه ۱۳

قانونی که به سیستم قضایی فرانسه اجازه می‌دهند جرائمی را که در خارج فرانسه صورت گرفته‌اند تحت بررسی قرار دهد، چه قرائت محدود و سخت‌گیرانه‌ی ارائه می‌داد. و شگفت‌انگیز این است که حالا، به‌صورت فوق‌العاده و کاملاً استثنایی شاهدیم که چگونه قرائتی به‌غایت منعطف، از همان متون قانونی ارائه می‌شود. قدر مسلم اینست که چنین فرض گرفته شده که گویا مسئولان این عملیات نظامی می‌توانند در اورسوراوآز حضور داشته باشند. این یک استدلال از نوع تئولوژیک و از جنس سیاسی است و از استدلالاتی که مبتنی بر داده‌های عینی و داده‌های مشخص باشد، بسیار دور است. این وضع وخیم است، بسیار وخامت‌بار است که در چنین شرایطی یک پرونده تحقیق گشوده شود. وخیم است از این بابت که این کار مثل شکستن گردن حقوق مکسب فرانسه و زیر پا گذاشتن رویه قضایی شعبه دادگاه جنایی است، و واضح است که در صورت لزوم، ما در مقابل راجع قضایی ذیصلاح، با متانت و قاطعیت دست به اعتراض خواهیم زد.

– برتران فاورو، حقوقدان برجسته فرانسوی، بازی مسخره قضایی آخوندها را «شکنجه حقوق» توصیف کرد و افزود: «بدترین چیز این است که یک دستگاه قضایی مستقل بر اثر سوء مجاورت، به درخواست دولتی گردن بگذارد که حقوق را شکنجه می‌کند».

– فرانسوا سر، وکیل و حقوقدان دیگر در اعتراض به گشودن این پرونده اعلام کرد: «ما در حال وارد کردن یک بحث سیاسی بین ایرانیان به کشور خودمان هستیم و خودمان را بازیچه دولتی قرار داده‌ایم که همه کشورهای غربی آن را متفق‌القول دولت تروریست می‌دانند و شکایت چنین دولتی را می‌پذیریم و این شکایت مشکوک است...»

بنابراین ما به سویی سوق داده می‌شویم که ۱۲۰ هزار عضو این جنبش که در ۲۰ سال گذشته زندگی خود را از دست داده‌اند، به‌عنوان گذر دعوا وارد این پرونده شوند و با همه عواقبی که دارد، علیه همان مقامهایی که به فرانسه می‌آیند و با مقامهای فرانسوی قرارداد می‌بندند، شکایت کنند.

۴۵- گزارشهای بعدی حاکی از تلاش رژیم برای گشودن چندین پرونده و شکایت مشابه دیگر است. از جمله شکایتهای علیه مجاهدین در مورد لاجوردی و صیاد شیرازی.

– به‌این ترتیب رژیمی که تا دیروز ادعا می‌کرد عملیات مجاهدین در داخل ایران، در عراق تدارک دیده می‌شده است، اکنون که پای دولت قبلی عراق در میان نیست، مرکز فرماندهی و طراحی و تدارک عملیات در داخل ایران را بدون روبری با بیستی به فرانسه برده است! سایت وزارت اطلاعات آخوندها در این باره می‌نویسد: «کلیه عملیتهای تروریستی مجاهدین پس از سال هفتاد و بنا بر رهنمود استخبارات از عراق کنترل نمی‌گردید و مستقیماً از مقر فرماندهی مجاهدین در پاریس هدایت می‌شد و صرفاً نیروی عملیاتی آن از عراق اعزام می‌گردید!» (دیدبان - ۳۱ دیماه ۸۳)

پرونده‌سازی علیه مجاهدین و مقاومت ایران، آن‌هم در فرانسه، البته هزینه‌های زیادی دارد. اسناد برخی از پرداختهای چندین میلیون دلاری برای همین شکایتهای و پرونده‌سازیها، که بودجه‌اش در شورای عالی امنیت آخوندها تصویب می‌شود، در نشریات مقاومت افشا شده است.

– واضح است که وزارت اطلاعات آخوندها در این پرونده‌سازیها، مزدوران خود را تحت عناوین

مختلف، برای عقده‌گشایی و لجن پراکنی علیه جنبش مقاومت به‌کار می‌گیرد. هر چند که دیگر پس از سقوط دولت قبلی عراق، که نقطه قانونی تبلیغات اطلاعات آخوندها علیه مقاومت ایران بود، حنای این مزدوران رنگی ندارد. ۴۶- رژیم و ایادی آن از جمله ادعا می‌کردند که سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی، با پول عراق اداره می‌شوند. اکنون در شرایطی که ۱۶ ماه است پای دولت قبلی عراق در میان نیست و همه می‌دانند که بسیاری از اموال و داراییها و پولهای این مقاومت به بیگانه رفته یا در کشورهای مختلف بلوکه یا بالا کشیده شده، از آخوندهای حاکم و مزدورانشان باید پرسید حالا دیگر جز مردم ایران و هواداران این مقاومت، کدام دولت است که ما را تأمین می‌کند؟!

## به بازی گرفتن انتریل

۴۷- از دیگر تشبیهات ملایان در مانده علیه مقاومت ایران، به‌بازی گرفتن مزدوران انتریل (پلیس بین‌المللی)، برای اعمال فشار و ایجاد محدودیت علیه اعضای مقاومت ایران در کشورهای مختلف است.

سال گذشته در شصتین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، حکومت آخوندی تلاش کرد در یک بازی مسخره با انتریل و با ارائه یک «حکم جلب بین‌المللی» علیه اعضای هیات مقاومت در کمیسیون حقوق بشر، جلو ورود آنها را به اجلاس کمیسیون بگیرد و مانع افشای جنایتهای ضد انسانی رژیم شود.

در این بازی بلاهت‌بار آخوندی که از سه سال پیش آغاز شده، نیروی نظامی و قوه قضائیه رژیم ملاحا، با جعل و دروغ‌پردازی آشکار، فی‌المثل مدعی می‌شوند که نماینده شورا در کشورهای اسکاندیناوی و نمایندگان مقاومت در اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، که بیش از بیست سال است به‌ایران نرفته‌اند، به‌تازگی در روز فلان و در تاریخ فلان در فلان خیابان تهران با خمپاره چند غیرنظامی را کشته‌اند و مجازات آنها هم اعدام و حبس‌های طولی‌مدت است!

به‌این ترتیب رژیم از انتریل متقاضی صدور حکم جلب بین‌المللی آنان می‌شود و انتریل همین تقاضاها را بین کشورهای عضو توزیع می‌کند. به‌طور معمول هیچ‌کس برای این تقاضاها، به‌ویژه از جانب رژیم حاکم بر ایران، ارزشی قائل نیست. اما رژیم در هر کجا که دستش برسد و نفوذ داشته باشد با استناد به همین تقاضاها توزیع شده توسط انتریل، خواهان ایجاد محدودیت برای افراد مورد نظر می‌شود.

دروغ‌پردازیهای رژیم در شصتین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، باعث رسوایی بیشتر شد و بیش از ۳۰ سازمان غیردولتی مدافع حقوق بشر، بارائه دو تومار خطاب به مدیرکل مقر ملل متحد در ژنو و خطاب به ریاست کمیسیون حقوق بشر، که برای سال جاری به عهده سفیر استرالیا در ژنو است، ترفند سفید و کثیف رژیم ایران را تفتیح کردند.

– هم‌چنین ۱۴ سازمان غیر دولتی مدافع حقوق بشر، یک سخنرانی مشترک در دفاع از حقوق مسلم اعضای هیات مقاومت ایران ایراد نمودند. این سخنرانی روز دوشنبه ۱۹ آوریل (۲۴ فروردین) توسط نماینده ۱۴ سازمان، در جلسه رسمی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد قرائت گردید و رژیم آخوندی را در برابر هیاتهای دیپلماتیک و مقامهای ملل متحد و نمایندگان سازمانهای بین‌المللی مفتضح کرد.

## جنایت و فضاحت

۴۸- چهارده‌ماه پیش دولت سوریه در یک اقدام پست و ضدانسانی، دو تن از اعضای کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، آقایان ابراهیم خداینده و جمیل بصام، را به دژخیمان حاکم بر ایران تحویل داد. این آدم ربایی جنایتکارانه، طی یکسال گذشته با اعتراض گسترده پارلمانیهای کشورهای مختلف اروپا و امریکای شمالی، سازمانها و شخصیتهای مدافع حقوق بشر، ایرانیان مقیم خارج کشور و... مواجه شد که یکصد خواستار بازگرداندن این دو عضو مقاومت به انگلستان شدند. در همین راستا صدها تظاهرات و آکسیون اعتراضی در شهرهای بزرگ اروپا و امریکا در مقابل نمایندگیهای رژیم آخوندی و سوریه و هم‌چنین سفارتخانه‌های انگلستان در کشورهای مختلف برگزار گردید.

در اثر این افشاگرها و فشارهای بین‌المللی، رژیم آخوندی در یک عقب‌نشینی مفتضحانه پذیرفت که آقای وین گریفیت نماینده مجلس عوام انگلستان، در خرداد ماه امسال با آقایان خداینده و بصام، که تمام این یکسال را در سلول افرادی و جدا از بقیه زندانیان نگهداری شده‌اند، دیدار کند.

– در عین حال دژخیمان اطلاعات آخوندها با انواع صحنه‌سازیها در شکنجه‌گاه اوین و در هنلها و رستورانهای وزارت اطلاعات در نقاط مختلف تهران و هم‌چنین در یک صحنه‌سازی مسخره در برابر سفارت فرانسه در تهران، تلاش کردند نه فقط از دسترسی آقای گریفیت به حقایق ممانعت به‌عمل آورند، بلکه حقایق را به‌طور کامل وارونه جلوه دهند.

– از جمله یک عضو مجلس عوام به‌نام تدی تلور را، که دلال شناخته‌شده معامله با رژیم و از مدافعان سینه‌چاک آخوندها و توجیه‌گر اقدامات جنایتکارانه و ضدانسانی آنهاست، هم‌زمان به‌ایران دعوت کردند و برخلاف تمایل آقای گریفیت، او را در همه ملاقاتها و دیدارها وارد نمودند.

– علاوه بر این، مأموران اطلاعات آخوندی قبل از این که دو زندانی را در اوین به دیدار گریفیت بیاورند، یک گروه از مأموران اطلاعات و شماری از زندانیان درهم‌شکسته را زیر عنوان اعضا و مسئولان پیشین مجاهدین، به نزد آقای گریفیت بردند تا ساعت‌های متمادی علیه مجاهدین به لجن‌پراکنی بپردازند. سپس خداینده را به میان این جمع آوردند تا در محاصره مزدوران با گریفیت دیدار کند.

– در نوبت بعدی همین صحنه‌ها با بصام تکرار شد و آنگاه نوبت به مزدور معلوم‌الحال ملایان و مدافع بی‌شرم و حیای شکنجه‌های آنان، احسان نراقی، رسید تا همراه با دو زندانی با آقای گریفیت دیدار نموده و به‌زعم خودش راجع به محاصره مزدوران با گریفیت دیدار کند. وی همان کسی است که چند سال پیش در مصاحبه با تلویزیون صدای امریکا از شکنجه‌های رژیم به‌طور وفیقانه دفاع می‌نمود و می‌گفت وقتی مجاهدین با این رژیم مبارزه می‌کنند رژیم مجبور است به شکنجه روی بیاورد.

از این بیشتر آخوندها همدست شناخته‌شده خود، خانم ام‌انیکلسون، را، که در پوشش امور عام‌المنفعه و خیریه! با آنها در ارتباط است، به دیدار ابراهیم خداینده برده بودند تا با او عکس بگیرد و این عکسها به نشانه سلامت زندانیان، در اختیار سایتیهای وزارت اطلاعات و برخی مطبوعات انگلستان گذاشته شود. ام‌انیکلسون همان کسی است که قبل از سقوط دولت عراق، بعضاً به‌طور ناگهانی کشف می‌نمود که سلاحهای کشتار جمعی عراق نزد مجاهدین پنهان شده و مجاهدین هم تسلیحات مزبور را در زیر بانالقهایی جنوب عراق جاسازی کرده‌اند!

نامبرده هم‌چنین مدعی کشتار شیعیان عراق توسط مجاهدین بود، اما هیچ‌گاه تا امروز از فرط اشتغال به‌امور عام‌المنفعه و خیریه با آخوندها، لازم ندیده است که نام و نشان و محلی برای شیعیان کشته شده موهوم توسط مجاهدین، ذکر کند.

شورای ملی مقاومت بار دیگر بر این حقیقت تأکید می‌کند که تحویل دادن دو پناهنده سیاسی ایرانی به رژیم ایران توسط سوریه، یک آدم‌ربایی و جنایت آشکار و نقض معاهدات بین‌المللی است. آقایان جمیل بصام و ابراهیم خداینده، که با گذرنامه پناهندگی سیاسی انگلستان به سوریه سفر کرده بودند، بایستی بلادرنگ و بی‌قید و شرط به انگلستان بازگردانده شوند. اتحادیه اروپا و به‌ویژه دولت انگلستان برای بازگرداندن بلادرنگ و بی‌قید و شرط این دو پناهنده سیاسی، مسئولیتی انکارناپذیر بر عهده دارند.

۴۹- فضاحت و جنایت در رژیم آخوندها، حد و مرز نمی‌شناسد. حکم دادگاه رسیدگی به پرونده قاتلان خانم زهرا کاظمی نمونه دیگری از وقاحت آخوندها در لگدمال کردن همه موازین حقوقی و اخلاقی و آسانی است.

پس از شکنجه و قتل فجیع این خانم روزنامه‌نگار و آن‌همه لاف‌زدن خاتمی از هیأت تحقیق و بررسی و پس از آن همه جنگ و جدال درونی راجع به این‌که این جنایت به دست قضاییه رژیم صورت گرفته یا وزارت اطلاعات، سرانجام قاتلان اصلی را فراری دادند و یک متهم به قتل را هم در دادگاه نمایشی خود تبرئه کردند و در پایان طلبکار هم شدند و اعلام کردند که از اساس قتلی واقع نشده و خانم کاظمی بر اثر اعتصاب غذا بر زمین خورده و درگذشته است. یعنی که خودش مقصر و مسئول این مرگ بوده و رژیم مظلوم هم واقع شده است. بگذریم که دژخیمان جسد را هم متلاشی کردند و از تحویل دادن آن به پسرش خودداری ورزیدند.

## چشم‌انداز تحولات

۵۰- در شرایطی که ولی فقیه نظام با ایجاد یک مجلس فرمایشی و تصفیه باند خاتمی از مجلس در صدد است که با بازی با حربه اتم و استفاده از «فرست» عراق، ولایت بحران زده و در بن بست خود را ماندگار جلوه دهد،

و در شرایطی که وضعیت عراق پس از انتقال نسبی قدرت به دولت موقت، کوتاه کردن دست رژیم از این کشور را اقتضا می‌کند، در شرایطی که توطئه‌های رژیم علیه مقاومت، با ایستادگی و پایداری شکوهمند یکی پس از دیگری خنثی می‌شود،

و در شرایطی که مردم ستمدیده ایران به اشکال مختلف علیه ارتجاع حاکم به مبارزه و مقاومت دست می‌زنند؛

رژیم آخوندی از جنبه داخلی و بین‌المللی به نقطه تعیین تکلیف نزدیک می‌شود.

– در بیانیه سال گذشته شورا تأکید شده بود: «رژیم آخوندها می‌باید مسیر گذشته را با اصالت دادن به صورت بنیادگرایی ادامه دهد، که در این صورت، با ادامه پیشروی و دخالت بیشتر در عراق و سنگ‌اندازی در روند صلح خاورمیانه، داخل کشور به انقباض و سرکوب بیشتر و جراحی در درون رژیم متعادل می‌شود. در اجرای این سیاست، رژیم باید انزوا را به‌جای بیشتر بین‌المللی و تشدید فشارهای جهانی را بپذیرد و برای آن برنامه‌ریزی کلان انجام دهد. در چنین حالتی، مبارزه و مقاومت مردم ایران علیه استبداد مذهبی هرچه بیشتر شکل رادیکال به خود می‌گیرد. بقیه در صفحه ۱۹